

## بررسی مسائل تعلیم و تربیت در مدرسه

عارف صیفی زاده دوره‌ها، زینب رحمانی نژاد، زهرا رحمانی نژاد و بتول کمری

مدیر دبستان شهید هاشم پور زادی ناتیله با غرم آباد (کارشناس ارشد مدیریت آموزشی)

با آموزگار دبستان شهید هاشم پور زادی (ارشد روانشناسی تربیتی)

با آموزگار شهرستان درود (کارشناسی مدیریت آموزشی)

کارمندی پیش دبستانی آموزش و پرورش کوار

### چکیده

آموزش و پرورش انسان به طور غیر رسمی از بدو پیدایش آن مورد توجه بوده و در قرون اخیر (بویژه در دهه های اخیر) به واسطه سهل الوصول و ارزان بودن سرمایه گذاری در آن نسبت به سایر بخش ها از یک طرف و بازدهی سریعتر، مطمئن تر و فراگیرتر آن بطور فزاینده ای از طرف دیگر آشکار شده است. به همین دلیل سرمایه گذاری برای آموزش و پرورش در کشورهای که توسعه یافته و یا در حال توسعه قلمداد می شوند، علی الخصوص در چند دهه اخیر همواره در حال افزایش بوده است. ماهیت فعالیت در حوزه انسانی باهدف رشد پویا و همه جانبه انسان مستلزم روحیه بالا و علاقه مندی زیاد از یک سو و دانش و قابلیت های لازم و متناسب از سوی دیگر است. ظرافت کار در آموزش و پرورش، استعداد پذیرش نقش های مختلف و رشد عقلانی، اجتماعی، عاطفی و جسمانی کودکان و نوجوانان و ویژگی های آنان در دوران مدرسه ای سرمایه گذاری در آن را توجیه می کند.

کلیدواژه‌ها: کلاس، مدرسه، دانش آموزان، معلمان

## مقدمه

هر کشوری برای پیشرفت و توسعه نیازمند توجه به «آموزش» و «پرورش» است و به عبارت دیگر توجه به دستگاه تعلیم و تربیت تضمین کننده توسعه کشورهاست و هر کشوری که به این مهم عنایت ویژه داشته است، ثمره آن را در پیشرفت دیده است. در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش هم بر جایگاه و نقش تعلیم و تربیتی نهاد رسانه تأکید شده است و از سوی دیگر مهمترین وظیفه رسانه، تعلیم و تربیت و ارتقا دادن سطح معرفت مخاطبانش است. بر همین اساس مجموعه خبرگزاری فارس در پی آن است تا به جایگاه تعلیم و تربیت در کشور ارج نهد و بتواند گامی مؤثر در این مسیر بر دارد.

مشکلات آموزش و پرورش در دو محور اصلی قابل بررسی است. اولین مشکل در ساختار ناصحیح بودجه آموزش و پرورش، و نبود شاخص‌های متناسب با بودجه است. همین مسأله علتی برای مشکلاتی چون کسری در بودجه و ناعدالتی‌های بیرونی و درونی در پرداخت‌هاست؛ زمانی که آموزش با کسری بودجه روبه‌رو شود، کیفیت کلاس‌ها و تدریس پایین می‌آید.

دومین محور، مشکل مدیریت در منابع انسانی و نگاه مقطعی به آن است که باعث شکل‌گیری نظام پرداختی‌های ناعادلانه شده است که همین موضوع باعث شده تا نظام انگیزشی که در کشور ما بسیار مهم است به خاطر مشکلاتی که مطرح شده نادیده گرفته شود؛ ما در تأمین معلمان شایسته و سنجش صلاحیت معلمان از لحاظ شخصیتی، سنی، اخلاقی و تجربه نیز مشکلاتی داریم. مشکل دیگر در طراحی مدارس برای دختران و پسران است که هنوز الگوی تازه‌ای برای مدارس مطرح نشده و مدارس هنوز به شیوه قدیمی، برای دختران و پسران ساخته می‌شود. محصول کار آموزش و پرورش ما جامعه کنونی ماست! وضعیت آموزش بهتر شده اما هنوز روی شیب نزولی هستیم و آموزش و پرورش هنوز نتوانسته موفقیت کامل را کسب کند. مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان هنوز ضعیف است و در تعاملات خود با خانواده، دوستان و جامعه دچار ضعف هستند. مدیران آموزش و پرورش اگر نسبت به شایستگی که دارند انتخاب شوند و مدیران کارآمد، مسؤلیت را بر عهده بگیرند، می‌توانند شرایط را بهتر کنند. رسانه‌ها آمادگی و همکاری خوبی را دارند، اما مشکل اصلی در تعلیم و تربیت به علت مشکلات آموزش و پرورش است که تا حل نشود به وضعیت مطلوب نمی‌رسیم. یکی از مشکلات عمده در آموزش عالی، نمره محوری است؛ بعضی از اساتید به جزوه متکی هستند در حالی که آموزش باید از سمت جزوه به سمت مقالات، کتاب‌ها و منابع معتبر کشیده شود.

یکی از مسائل مهم بحث یادگیری است؛ اینکه بچه‌ها دروس را به نوعی آموزش ببینند تا استعدادشان شکوفا شود، در اکثر مواقع دانش‌آموزان، پرورش داده نمی‌شوند و خلاقیت آنها کشف نمی‌شود. متأسفانه بحث نمره پروری در مدرسه‌ها نیز بسیار جا افتاده و بچه بیشتر از اینکه یاد بگیرند به دنبال نمره هستند.

## مبانی نظری

مدرسه از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی، تربیتی و آموزشی و اصلی‌ترین رکن تعلیم و تربیت است که به منظور تربیت صحیح دانش‌آموزان در ابعاد دینی، اخلاقی، علمی، آموزشی، اجتماعی و کشف استعدادها و هدایت رشد متوازن روحی و معنوی و جسمانی آنان براساس اهداف مصوب دوره‌های تحصیلی و برابر ضوابط و دستورالعمل‌های وزارت آموزش و پرورش تأسیس و اداره می‌شود. انتقال ارزش‌های اساسی جامعه در کانون اصلی توجه نظام آموزشی قرار دارد، به گونه‌ای که مدرسه دانش‌آموزان را متعهد می‌سازد ارزش‌های جامعه را درونی سازند. در مدارس، آموزش ارزش‌ها در لابه‌لای دروس گوناگون صورت می‌گیرد و کارایی تعلیم ارزش‌ها در هر درس، به میزان درک معلم از اهداف موردنظر در آن درس بستگی دارد. معلم با شناخت امکانات، به تجهیز محیط آموزشی می‌پردازد و با شناخت علایق و توانایی شاگردان، آنان را در جهت صحیح یادگیری هدایت می‌کند؛ چراکه موفقیت در مدارس مستلزم آن است که معلمان عقاید دیگران را بپذیرند. نظام آموزش و پرورش از طریق روش‌هایی که در امر تدریس به کار می‌گیرد ارزش‌ها و برداشت‌های خاصی را در ذهن دانش‌آموزان جای می‌دهد و در روند تبیین ارزش‌ها، همسالان از طریق کنش متقابل، نقش مهمی ایفا می‌کنند، به گونه‌ای که نظام‌های آموزشی در دنیا تلاش می‌کنند از توانایی‌های منابع انسانی خود سود ببرند. اگر نظام‌های آموزشی به سوی مدیریت «مدرسه محور» کشیده شده اند خواهان گذر از مدیریت «فرداست - فرودست» و حرمت گذاشتن به توانمندی منابع انسانی هستند. محتوای درسی هم مسیر رسیدن به هدف‌های اجرایی را برای شاگردان میسر می‌سازد. مطالب محتوای آموزشی باید در یک خط مشخص و

با توجه به ساخت ویژه هر رشته و یادگیری قبلی شاگردان تنظیم شود. محتوای آموزشی باید مرتبط با زندگی روزمره و محیط اجتماعی باشد. همه این امور در یک فضای مناسب درسی امکان پذیر است و سرانجام، معلم از طریق ارزشیابی، به وجود قوت و ضعف تدریس خود و کفایت ابزارهایی که در تدریس به کار برده است، پی می برد.

### پیشینه پژوهش

هر مکتبی با دستگاه فکری، که نسبت به پدیده های جهان دارد، دارای یک نظام ارزشی نسبت به اعمال و رفتار انسان است. به گفته گونار میردال، «اعتقادات مظهر اندیشه ای است که بیان می کند واقعیت در حقیقت امر چگونه است، در حالی که ارزش گذاری مظهر اندیشه هایی است که بیان می کند واقعیت چگونه باید باشد. اما این دو (اعتقادات و ارزش گذاری ها) به نحوی عجین شده اند که جدایی آنها غیرممکن است.»

در دیدگاه اجتماعی، انتقال ارزش ها و وظیفه مدرسه است و جامعه شناسانی مانند تالکوت پارسونز به تبیین این دیدگاه پرداخته اند. به اعتقاد وی، در مدرسه دانش آموزان نقش های مناسبی را که در جامعه وجود دارد، می آموزند و انتظارات مردم در رفتارهای میان فردی را محقق می سازند.

یهودی کوهن،<sup>۱</sup> از نظریه پردازان رویکرد انتقال فرهنگی، میان جامعه پذیری و آموزش و پرورش تمایز قایل می شود و معتقد است: آموزش و پرورش برنامه ریزی شده تر و کنترل شده تر است. آموزش و پرورش در فواصل زمانی منظم انجام می گیرد، اما جامعه پذیری به شکل خودجوش انجام می شود.

راکر<sup>۲</sup> معیاری به نام «جهت گیری ارزشی»<sup>۲</sup> برای تعلیم و تربیت و علوم رفتاری تهیه کرد. مطابق معیار او، هشت مقوله ارزشی وجود دارد که از عمیق ترین حالات شخصی تا مناسبات اجتماعی بسیار پیچیده را به صورت وقایع ارزشی عرضه می کند. این مقوله ها عبارتند از: عشق، احترام، مهارت عملی، فهم، قدرت نفوذ در دیگران، شایستگی و ثمربخشی، خوش بختی و مسئولیت شناسی. از مقوله های ارزشی تعیین شده از سوی راکر می توان در شناسایی و تشخیص حیطة های علقه و بهره گیری از آن برای انجام یک برآورد از نیازهای آموزشی کمک گرفت. از فواید دیگر آن، تعیین سطح «خود فریافت»<sup>۳</sup> کنونی و «فریافت من مطلوب» و یامقصد در زندگی است.

شاخه ای از فلسفه «اکسیولوژی»<sup>۴</sup> به بررسی ارزش اختصاص دارد؛ یعنی ارزش از معنایی عقلی و وجودی ذهنی برخوردار است. زمان و مکان در آن نقشی ندارد و آنچه در زمان و مکان از این مفهوم محقق می گردد مصداقی از مفهوم ماهوی آن است. از نظر انسان گرایانی همانند سیمسون، ارزش ها در فرایند یادگیری نقش اساسی ایفا می کنند. دست یابی دانش آموزان به یک نظام ارزشی منسجم و فهم این ارزش ها، که به زندگی آنها معنا می بخشد و به منزله راهنمای درونی اعمال آنها عمل می کند، اهمیت دارد. پژوهشگران گوناگونی همچون آلپورت، شوارتز، اسپیدلر، واینگلهارت در صدد ساخت مقیاس های گوناگونی برای سنجش نظام ارزشی افراد جامعه برآمدند.

تحقیقات تورنس (۱۹۶۲) نشان داده است که کودکان تا سن ۱۰ سالگی در اوج خلاقیت هستند اما وقتی در شرایط مدرسه قرار می گیرند و از آنها انتظار می رود که پاسخ های مشخص و قالبی به سؤالات بدهند و تحت ارزشیابی قرار می گیرند، خلاقیت آنها به تدریج کاهش می یابد. بنابراین باید سیستم آموزشی مدارس از حالت آموزگار محوری و تاکید بیش از حد به سطح بازگویی، خارج شده و به کودکان در آموزش نحوه تفکر و رسیدن به سطوح بالای شناختی یعنی فراشناخت کمک کند. براساس اهداف منتشره از سوی وزارت آموزش و پرورش، «پرورش استعدادها و کمک به تقویت خلاقیت» یکی از اهداف آموزش و پرورش محسوب می شود و مدارس باید در راستای تحقق این هدف به رشد و پرورش خلاقیت دانش آموزان بپردازند؛ لیکن در اکثر موارد خودآگاه یا ناخودآگاه موجب تضعیف و حتی تضییع خلاقیت می شوند. از مهم ترین موانع پرورش خلاقیت در مدارس می توان موارد زیر را برشمرد:

تاکید بر محفوظات، تکالیف زیاد، عدم توجه به تفاوت های فردی، وجود کلاس های پرجمعیت، انضباط سخت و زورمدارانه، برنامه درسی و جدول ساعات غیرقابل انعطاف برای فعالیت های کلاس، عدم آشنایی معلمان با ویژگی های دانش آموزان خلاق، روش های تدریس سنتی و مبتنی بر معلم محوری، تاکید زیاد بر نمره دانش آموزان به عنوان ملاک خوب بودن، عدم پذیرش

ایده‌های جدید، شخصیت جدی معلم، استهزاء و طعنه، تحت فشار قراردادن برای همنوایی با دیگران، فرهنگ سکوت در مقابل اظهارنظر معلم، تاکید بر تفکر همگرا به جای تفکر واگرا، عدم تجهیز منابع و امکانات و تکیه بر سطوح اولیه حیطه شناختی. وجود شرایط فوق‌الذکر چون سد محکمی در مقابل توسعه خلاقیت دانش‌آموزان خواهد بود و در صورت از بین رفتن این شرایط، خلاقیت ارتقا پیدا خواهد کرد. در محیط مدرسه عوامل متعددی در خلاقیت دانش‌آموزان تاثیر می‌گذارد که در یک دسته‌بندی کلی به جو حاکم بر مدرسه، محتوا و مواد آموزشی و معلم تقسیم می‌شوند، در اینجا هر کدام را به صورت جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

#### الف) جو حاکم بر مدرسه

جان دیویی - متفکر بزرگ مسائل تربیتی - معتقد است مدرسه باید خودکاری دانش‌آموز را تشویق کند اساس کار مدرسه نباید فقط تبعیت و فرمانبرداری باشد و مقررات را مدار قرار ندهد تا دانش‌آموز بتواند به پرورش خلاقیت بپردازد. در صورتی که در حال حاضر مشکل اساسی مدارس این است که در آنها اندیشه‌های خلاق یادگیرندگان به سبب غیرمعمول بودن، نه تنها مورد تشویق قرار نمی‌گیرند، بلکه مورد ایراد و سرزنش واقع می‌شوند؛ سرزنش دانش‌آموزان به خاطر داشتن رفتار و افکار غیرقالبی، می‌تواند ریشه‌های تفکر خلاق و توانایی کشف مسائل تازه را در همان روزهای نخستین آموزش مدرسه‌ای در آنها بخشکاند. اگر بخواهیم خلاقیت دانش‌آموزان را توسعه دهیم و امکان بروز استعدادها بالقوه را در آنان فراهم سازیم، باید در جو حاکم بر محیط آموزشی تجدیدنظر کنیم. برای مثال، نمی‌توان از دانش‌آموزان انتظار داشت که از جای خود تکان نخورند، در طرز نشستن، حرف زدن و لباس پوشیدن‌شان از یک الگوی واحد پیروی کنند، همان پاسخی را به سؤالات بدهند که از نظر معلم تنها پاسخ صحیح است و در عین حال خلاق هم باشند. البته منظور این نیست که هرج‌ومرج و بی‌نظمی در مدرسه حاکم باشد، زیرا لازمه هر آموزشی نظم است. هدف برقراری نظم و مقررات قابل انعطاف است. یعنی نظم مربوط به مسائل کلی باشد و جزئیات رفتار و گفتار را تحت تاثیر قرار ندهد.

اگر مدرسه به جای جوی سلطه‌جویانه و غیرقابل انعطاف از جوی مناسب و حمایت‌کننده برخوردار باشد، هم معلم با احساس امنیت و آسودگی خیال می‌تواند به ارائه طرح‌های جدید و موثر بپردازد و هم دانش‌آموزان با اعتماد به نفس و ایمنی روان‌شناختی به انجام فعالیت‌های خلاق می‌پردازند.

#### ب) محتوا و مواد آموزشی

امروزه در دنیا یکی از مباحثی که در امر یاددهی - یادگیری به شدت روی آن تاکید می‌شود، یادگیری چگونه «فکر کردن» و چگونه «یاد گرفتن» است، نه «چه یاد گرفتن». گاهی توجه بیش از حد به «چه یاد گرفتن» سبب می‌شود از نظر کمیت مفاهیم زیادی را در ذهن دانش‌آموزان انباشته کنیم - به آنها ماهی می‌دهیم آن هم به مقدار زیاد که ناچارند مازاد آن را دور بریزند - و توجهی به چگونگی یاد گرفتن آنها و مفید بودن مواد آموخته شده برای زندگی حال و آینده دانش‌آموزان نداشته باشیم. با توجه به این مطالب برای طرح‌ریزی محتوا و مواد آموزشی توجه به چند نکته

ضروری به نظر می‌رسد که عبارتند از:

۱ - ایجاد پیوند عاطفی و شناختی با برنامه درسی:

دانش‌آموزان زمانی محتوای یک برنامه درسی را به نحو مطلوب یاد می‌گیرند که این محتوا، با توانایی‌های آنان مطابقت داشته باشد، محتوا زمانی قابل یادگیری است که با توجه به دانش پیشین و تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان انتخاب شده باشد، در این صورت بین دانش‌آموز و محتوای آموزشی پیوند شناختی برقرار می‌شود.

مطالب آموزشی باید برای فرد مفید باشد - یعنی یاد گرفتن و یاد نگرفتنش یکسان نباشد - اگر دانش برای دانش‌آموز معنادار بوده از زندگی او نشأت گرفته باشد و برای آینده او مفید باشد، با اطمینان می‌توان گفت پیوند عاطفی بین فراگیر و برنامه درسی پیوند عاطفی برقرار شده است.

۲ - فرصت مناسب برای فعالیت یادگیری چندگانه:

تدارک فرصت‌های یادگیری، توصیف‌کننده جوی از یادگیری است که طی آن دانش‌آموزان به طیفی از معانی و مفاهیم دست می‌یابند. فرصت‌های یادگیری ارائه شده باید زمینه‌های خوداتکایی و خودآموزی دانش‌آموزان را فراهم سازد. توجه به این نکته ضروری به نظر می‌رسد که محتوا نباید بر «دانش نظری» تمرکز داشته باشد، بلکه توجه به عنصر فعالیت‌ها و مهارت‌ها دانش‌آموز را از نظر روانی آماده یادگیری مداوم و خلاق می‌کند.

۳- ارتباط محیط کلاس با محتوا و ضوابط برنامه

در تنظیم محتوا براینکه باید شرایط و ویژگی‌های محیط کلاس، مورد توجه دقیق برنامه‌ریز قرار گیرد، باید زمان و بودجه کافی جهت اجرای مناسب برنامه مطلوب اختصاص داده شود.

۴- ارتباط مواد آموزشی و محتوا

امروزه در برنامه‌ریزی درسی بسته‌های آموزشی شامل کتاب درسی، کتاب‌های کمک‌آموزشی، وسایل آموزشی، سؤالات ارزشیابی و راهنمای درسی همه با هم در نظر گرفته می‌شوند، در بسیاری از کتاب‌های درستی تحولات مثبتی در حال رخ دادن است و اندکی از برنامه‌های تلویزیونی سعی دارند در راستای برنامه‌های آموزش و پرورش گام بردارند اما باید توجه داشت که همگام با تحولات کتاب‌های درسی و به طور کلی بسته آموزشی (این بسته‌های آموزشی باید در اختیار همه مدارس قرار گیرد) معلمان نیز باید آمادگی و مهارت لازم جهت ارائه محتوای مطلوب را کسب کنند، چرا که یک طرح مطلوب و خلاق زمانی موفق است که به اجرا درآید. نمی‌توان دروسی را که برای الگوهای تدریس فعال طرح‌ریزی شده با روش سنتی و معلم محور اجرا کرد و انتظار موفقیت داشت.

### ج) معلم

معلمان در فرآیند یاددهی- یادگیری و ایجاد تفکر خلاق در دانش‌آموزان دارای نقش اساسی هستند. خلاقیت معلم، نگرش وی نسبت به خلاقیت، سبک تدریس، شیوه اداره کلاس و حتی شخصیت معلم در پرورش تفکر خلاق و ایجاد تفکر انتقادی نسبت به مسائل دانش‌آموزان تاثیرفرآوانی دارد. در واقع موثرترین و کارسازترین مولفه نظام تعلیم و تربیت معلم است. این بدان معنا نیست که سایر مولفه‌های نظام تعلیم و تربیت از قبیل برنامه درسی، مدیریت و... بی‌تاثیر است، بلکه اولاً تاثیرگذاری این مولفه‌ها با معلم برابری نمی‌کند و ثانیاً این تاثیرگذاری نوعاً به صورت مستقیم نبوده و با عبور از صافی معلم که مرکب از ذهنیت‌ها، نگرش‌ها و قابلیت‌های اوست، نهایتاً بر دانش‌آموز تاثیر می‌گذارد.

همچنان که بیان شد معلم از ابعاد و جنبه‌های مختلف در شکوفایی خلاقیت دانش‌آموزان موثر است. به همین جهت در ادامه بحث این جنبه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- نحوه نگرش معلم

نگرش و دیدگاه معلم نقش مهمی در پرورش خلاقیت دانش‌آموزان ایفا می‌کند. اکثر معلمان از شاگرد بسیار سازگار که اجتماعی، با ادب و خویشتن‌دار و مطیع قدرت است، خشنود و راضی هستند. در مقابل دانش‌آموزان خلاق به سبب آنکه سؤالات متعدد مطرح می‌کند، قوه تخیل فوق‌العاده دارند، با جمع هماهنگ نیستند، اغلب در دسرفرین هستند و به طور کلی رفتارشان قابل پیش‌بینی نیست، مورد استقبال معلمان قرار نمی‌گیرند. براساس یافته‌های گتزلز و جکسون شاگردانی که تفکر و اگرایی بالاتری دارند کمتر از همگراها محبوب معلمان هستند؛ شاید افکار واگرا اغلب مبتکرانه و ارزشمند باشند، از سوی دیگر ممکن است عجیب و احمقانه به نظر برسند و سبب شوند که معلم شک کند که شاید کودک می‌خواهد بازی درآورد، در نتیجه این برداشت نه‌تنها از ابتکار استقبال نمی‌شود بلکه سرکوب نیز می‌شود. همچنین برونر می‌گوید که معلمان در آموزش و پرورش عادت دارند که به پاسخ‌های درست پاداش دهند و پاسخ‌های غلط را مجازات کنند. این امر سبب می‌شود کودکان میلی به تلاش برای یافتن پاسخ‌های بدیع نداشته باشند، زیرا بی‌تردید با انجام این کار احتمال خطا بیشتر می‌شود. معلم باید آماده کار در حال و هوایی باشد که تلاش‌های خلاق در آن تشویق می‌شوند و پاداش می‌گیرند، نه در محیطی که فقط راه‌حل‌های محتاطانه و همگرا تشویق می‌شوند.

۲- نقش الگویی معلم

آرتور کاترین و رابرت بی‌سند معتقدند که معلمانی که از خود رفتار خلاق نشان می‌دهند، محیط‌های کلاس درسی به وجود می‌آورند که خلاقیت را ارتقا می‌دهد. به علاوه آمابیل (۱۹۸۹) معتقد است که معلمان با بیان آزاد احساس خویش مانند عشق، شادی و کنجکاوای نسبت به امور می‌توانند الگوی مناسبی برای کودکان باشند. در واقع معلم نواندیش به صورت خودبه‌خودی دانش‌آموز خود را نواندیش می‌کند؛ یعنی روحیه، احساس، عاطفه و انگیزه پرچوش و خروش را به دانش‌آموز انتقال می‌دهد. در اصل حتی اگر معلم به دانش‌آموز چنین صفت یا خصلتی را انتقال ندهد، خود دانش‌آموز چنین روحیه مثبتی را از معلم می‌گیرد و شاید سرایت چنین خوی و خصلتی از سوی معلم به دانش‌آموز برخاسته از اصل سرایت روانی است. پس چه انتقال خودآگاه و چه انتقال ناخودآگاه چنین توانمندی‌ای هر دو موجب پرورش نواندیشی و نوآوری شاگرد می‌شود. البته این بدان معنا نیست که آموزگاران که خود خلاق نیستند نمی‌توانند خلاقیت را در دانش‌آموزان تشویق کنند، بلکه هر آموزگاری می‌تواند کوشش کند خلاقیت را در دانش‌آموز بازشناسی و فرصت‌هایی برای وقوع آن فراهم سازد.

۳- نقش عاطفی معلم

ایجاد شرایط مساعد برای رشد خلاقیت، مستلزم وجود جوی صمیمی و مطمئن در کلاس درس است. دانش‌آموز باید بتواند با آسودگی در کلاس به اظهارنظر بپردازد و بدون نگرانی هر سؤالی را که در ذهن دارد مطرح کند. معلمان خشک، مقرراتی و مستبد- آنها که دانش‌آموزان را برای صحیح نشستن در نیمکت‌های منظم و مستقیم ردیف شده و محکم نگهداشتن پاها روی زمین تشویق می‌کنند- با مجبور کردن دانش‌آموز به اطاعت زیاد از مقررات قراردادی و تنبیه کارهای اشتباه کودکانه که می‌خواهد به ناشناخته‌ها دسترسی یابد خلاقیت را خاموش می‌کنند. آنها با عدم توجه و یا پاسخ ندادن به سؤالات، پرسش‌گرایی لذت‌بخش کودکان خردسال را خرد می‌کنند. با توجه به مطلب فوق، نظام آموزش و پرورش زمانی موفق به پرورش خلاقیت در دانش‌آموزان و به تبع آن پرورش نیروی انسانی کارآمد و خلاق برای جامعه خواهد شد که با تمام توان فرهنگی و امکانات اقتصادی برای حذف موانع موجود در مسیر پرورش خلاقیت اقدام کند.

#### منابع

- 1 - شریعتمداری، علی، *اصول و فلسفه تعلیم و تربیت*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۴.
- 2 - عاملی، زین‌الدین بن علی، *منیه المراد فی آداب المفید والمستفید*، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۶۲.
- 3 - کاشانیها، کبری فرشته، *تشویق و تنبیه از دیدگاه قرآن کریم*، تهران، امین، ۱۳۷۷.
- 4 - گریفیث، دانیل، *روابط انسانی در مدیریت آموزشی*، ترجمه خداداد بخشی، تهران، ملائک، ۱۳۷۷.
- 5 - بنجامین. س. بلوم، *ویژگی‌های آدمی و یادگیری آموزشی*، ترجمه علی اکبر سیف، چ دوم، تهران، نشر دانشگاهی، ۱۳۷۴.
- 6 - شعبانی، حسن، *مهارت‌های آموزشی و پرورشی*، چ بیستم، تهران، سمت، ۱۳۸۵.
- 7 - صانعی، پرویز، *جامعه‌شناسی ارزش‌ها*، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۲.
- 8 - لشکربلوطی، غلامرضا و دیگران، *برنامه ریزی آموزشی و آموزش برنامه ریزی، ارزشیابی آموزشی در یک نگاه*، چ پنجم، تهران، ابوعطا، ۱۳۸۸.
- 9 - میلر، جی. پی. *نظریه‌های برنامه درسی*، ترجمه محمود میرمحمدی، چ هفتم، تهران، سمت، ۱۳۸۹.